

سبک‌شناسی رباعیات جلال خالقی مطلق بر اساس کتاب آهوی کوهی در دشت

حجت‌اله رئیسی^{۱*}، زهرا تدین^۲، حیدرعلی دهمرده^۱

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات غنایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

سال نوزدهم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۵، صص ۴۸-۲۵

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8184>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: جلال خالقی مطلق از پژوهشگران و اساتید برجسته معاصر (۱۳۱۶ - ۱۴۰۴) است که مجموعه رباعیاتی با نام آهوی کوهی در دشت از وی برجای مانده است. رباعیات این اندیشمند فقید معاصر تاکنون بلحاظ سبک‌شناسی مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته است. هدف اصلی این مقاله تحلیل سبک‌شناسی رباعیات وی است که در آن شاخصه‌های سبکی در حوزه زبانی، ادبی و فکری مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت تا مخاطبان و خوانندگان بتوانند دیدهای کمتر مورد توجه قرار گرفته خالقی مطلق در حوزه شعری نیز آشنا شوند.

روش پژوهش: شیوه مطالعه در مقاله پیش رو توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای میباشد. جامعه آماری و محدوده پژوهش ۱۵۰ رباعی وی در مجموعه «آهوی کوهی در دشت» است که توسط انتشارات «همیشه» در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است.

یافته‌های پژوهش: خالقی مطلق با بهره‌گیری از زبان ساده، به‌دور از پیچیدگی و تعقید اما به تبعیت از قدما با انتخاب قافیه و ردیفهای آهنگین، انتخاب واژگان فاخر درعین حال به‌دور از تفاخر، کاربرد ضمائر متصل و منفصل در جایگاه قافیه، استفاده از رمزگان تغزلی بیشتر به رباعیات سه قافیه‌ای توجه کرده است. وجه غالب نحوی، وجه خبری است. واژگان او بیشتر از نوع حسی هستند و در سطح ادبی بسامد تشبیه حسی به حسی، استعاره‌های مصرحه مجرده و کنایه از موصوف در اشعار او قابل توجه است. از آرایه‌های بدیعی، آرایه تناسب بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ در حیطه سبک فکری نیز توجه به می، معشوق، گذر عمر به شیوه خیامی نمود بیشتری دارد.

نتایج پژوهش: بررسی ما در رباعیات خالقی مطلق نشان میدهد که شاعر در حیطه‌های سه‌گانه سبک زبانی، ادبی و فکری بصورت متوسطی عمل کرده است. از جمله ویژگیهای قابل توجه در اشعار وی میتوان به کاربرد لغات امروزی، بینامتنیت با خیام، تشبیه‌های حسی، توجه به عشق و احوالات شخصی اشاره نمود.

تاریخ دریافت: ۱۱ بهمن ۱۴۰۴
تاریخ داوری: ۱۴ اسفند ۱۴۰۴
تاریخ اصلاح: ۱۷ فروردین ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی. رباعیات. جلال خالقی مطلق. سطح زبانی. سطح ادبی. سطح فکری.

* نویسنده مسئول:

hojjatraeisi@uoz.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of Jalal Khaleghi-Motlaq's Rubaiyat Based on the Book Ahoe Koohi Dar Dasht

H. Raeisi^{*1}, Z. Tadayyon², H.A. Dahamardeh¹

1- Department of Persian Language and Literature, Zabol University, Zabol, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Lyrical Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 31 January 2026

Reviewed: 05 March 2026

Revised: 06 April 2026

Accepted: 04 May 2026

KEYWORDS

Stylistics. Rubaiyat. Jalal Khaleghi-Motlaq. Linguistic level. Literary level. Intellectual level.

*Corresponding Author

✉ hojjatraeisi@uoz.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Jalal Khaleghi-Motlaq is one of the prominent contemporary researchers and professors (1316-1404) who left behind a collection of Rubaiyats called Ahoe Koohi Dar Dasht. The Rubaiyats of this late contemporary thinker have not been researched and studied in terms of stylistics so far. The main purpose of this article is to analyze the stylistics of his Rubaiyats, in which stylistic characteristics in the linguistic, literary, and intellectual fields will be discussed and examined so that the audience and readers can also become familiar with Khaleghi-Motlaq's less-noted abilities in the poetic field.

METHODOLOGY: The study method in the following article is descriptive-analytical based on library studies. The statistical population and scope of the study are his 150 quatrains in the collection "Mountain Deer in the Plain", which was published by "Hamisheh" Publications in 2018.

FINDINGS: Khaleghi Motlaq, using simple language, free from complexity and dogma, but following the elders in choosing rhymes and melodious lines, choosing noble words while avoiding boasting, using connected and disconnected pronouns in the place of rhyme, and using lyrical symbols, has paid more attention to three-rhymed quatrains. The dominant syntactic aspect is the news aspect. His words are more of a sensory type, and at the literary level, the frequency of sensory-to-sensory comparisons, abstract descriptive metaphors, and allusion to the described are notable in his poems. Among the novelistic devices, the proportional device has received more attention; in the field of intellectual style, attention to May, the beloved, and the passage of life in the style of Khayyam is more evident.

CONCLUSION: Our study of Khaleghi-Motlaq's Rubaiyat shows that the poet has acted moderately in the three areas of linguistic, literary, and intellectual style. Among the notable features of his poems are the use of modern words, intertextuality with Khayyam, sensory analogies, attention to love and personal circumstances.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8184>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 23	 1	 10

مقدمه

در میان علوم ادبی، سبک‌شناسی بلحاظ میزان دقت و موشکافی و توانایی تحلیل همه جانبه‌ای که میتواند در تحلیل متون ایفا کند، از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار است به صورتی که به جرات میتوان اذعان کرد بدون تحلیل سبک شناسانه یک اثر، درک و دریافت درستی از آن امکانپذیر نیست و یا دستکم تحلیلی ناقص خواهیم داشت. «از لحاظ لغوی واژهٔ سبک را به معنای ریختن و گداختن و قالب زدن نقره و زر دانسته‌اند. سبک در معنی عام خود «عبارت است از تحقق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محصول خویش [اعم از شعر، داستان و ...] را مشخص میسازد» (بهار، ۱۳۹۱: ج ۱ / ص ۱۸). سبک‌شناسی در چند دهه اخیر بویژه، رشد نسبتاً چشمگیری داشته است تا جاییکه توانسته در کنار رشته‌هایی مانند زبان‌شناسی، زیبایی‌شناسی و نقد ادبی بعنوان یکی از واصلیت‌ترین شگردهای ارزیابی یک اثر جایگاه قابل قبولی در میان علوم ادبی دست بدست آورد. زرین کوب معتقد است که: «سبک عبارت است از شیوهٔ خاص در نزد هر گوینده؛ تعبیر صادقانه‌ای است از طرز فکر و مزاج طبع او. اگر طبع شاعر تند و سرکش باشد، سبک بیانش غالباً سریع و کوتاه میشود و اگر طبع آرام داشته باشد، خیال پرور... از طبع بلند، سبک عالی برمیآید و از طبع حقیر، سبک ضعیف» (۱۳۸۶: ص ۲۲). یک متن ادبی دارای سبک و سیاق خاص خود است و عموماً زبان ادبی و هنری پیش از آنکه در خدمت اطلاع رسانی باشد به دنبال برجسته سازی است. «آثار هنری، از جنبه‌ها و زوایای گوناگونی مورد ارزیابی قرار میگیرند که از این جنبه‌های گوناگون، دو جنبه به‌عنوان اصل و اساس ملاک قرار میگیرند. یکی محتوا و عقاید است و دیگری ارزش هنری و زیبایی‌شناسی اثر» (حسن‌پور، ۱۳۹۰: ص ۴۵). جلال خالقی‌مطلق، استاد و پژوهشگر فقید معاصر یکی از جمله افرادی است که نام وی بیشتر با پژوهشهای علمی شناخته میشود. از وی مجموعه رباعیاتی بر جای مانده است که بلحاظ سبکی تا کنون مورد توجه قرار نگرفته است. در مطالعه پیش رو نگارنده بر آن است تا با تکیه بر سه سطح زبانی، ادبی و فکری که اساس مطالعات سبک‌شناسی را دربرمیگیرد، به تحلیل و واکاوی رباعیات جلال خالقی‌مطلق پژوهشگر و شاعر فقید معاصر بپردازد و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که مهمترین شاخصه‌های سبک زبانی، ادبی و فکری در رباعیات وی کدام است؟

نوآوریها و تقلیدها

جنبه نوآوری این پژوهش آن است تا زمان نگارش این مقاله، در خصوص بررسی سبکی اشعار استاد جلال خالقی‌مطلق هیچ پژوهشی از این دست به انجام نرسیده است و حتی بررسی سبکی رباعیات معاصر نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

مجموعه رباعیات جلال خالقی‌مطلق که شامل ۱۵۰ رباعی است به کوشش شاعر و در زمان حیات وی در سال ۱۳۹۷ توسط انتشارات همیشه با همکاری هومن عباسپور به زیور طبع آراسته شده است. تا جای که نگارنده جستجو کرده، مقاله یا پژوهشی که به جایگاه علمی و ادبی این استاد برجسته پرداخته باشد اعم از مطالعاتی پیرامون اشعار یا مقاله‌ای شایسته در خصوص مطالعات ادبی ایشان، به نشر نرسیده است. گرچه پیرامون رباعیات خالقی‌مطلق و تحلیل سبکی آنها پژوهشی تاکنون در دسترس نیست اما میتوان به مقالات و تحقیقاتی که پیرامون سبک رباعی در شعر شاعران مختلف به انجام رسیده است توجه نمود؛ از جمله شفقت و مستعلی پارسا (۱۴۰۲) در مقاله «بررسی سبک‌شناسانه غزلهای ملک الشعرا قاری عبدالله» اشعار قاری از شاعران چیره‌دست معاصر زبان فارسی در افغانستان را بلحاظ سبکی تحلیل و ارزیابی کرده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان میدهد که شاعر در هر سه

حوزه زبانی، فکری و ادبی موفق عمل نموده است. غزلهای او بیشتر در بحر هزج و رمل است. آرایه تکرار و و سجع در اشعار او قابل ملاحظه است، واژه‌های عربی بسامد کمی دارد، صور خیال گوناگونی در غزلیات او استفاده شده است و عشق و محبت و وصف طبیعت و مباحث عارفانه، بیشترین درونمایه‌های غزلیات او را تشکیل میدهد. مجد و سیدزاده (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «سبک‌شناسی رباعیات سعدی» ویژگیهای بلاغی و سبکی رباعیات سعدی را بررسی کرده و نتیجه گرفته‌اند که بخش عمده‌ای از رباعیات سعدی، گویی بلحاظ فکری غزلهایی کوتاه است که با همان اندیشه‌های حاکم بر غزلیات وی میباشد و بخش دیگر نیز پند و اندرزهایی است که در بوستان و گلستان مورد توجه قرار گرفته است. نویسندگان همچنین نتیجه گرفته‌اند که زبان رباعیات سعدی همان زبان سهل و ممتنع غزلیات وی است و شاعر برخلاف قصیده و غزل، چندان در سرودن این قالب توانمندی از خود نشان نداده است. نوروزی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سبک رباعیات نظامی» در سه سطح زبانی، ادبی و فکری به تحلیل روایت نظامی پرداخته است و بیان نمود که گرچه تعداد واقعی رباعیات نظامی و ماهیت این اشعار در سایه مثنوی‌سرایی نظامی مشخص نیست و تحت الشعاع قرار گرفته است، اما نظامی در آفرینش و رباعی نیز بسیار هنرمند است رباعیات او ساده و زودیاب است و در سطح لغوی از ویژگیهای سبک خراسانی برخوردار است. در سطح ادبی تشبیهات ساده و روان در خدمت بُعد غنایی اشعار است و در سطح فکری، مضامین اخلاقی و فلسفی نمود بیشتری دارند. حسن‌پور (۱۳۹۰) در مقاله «سبک‌شناسی رباعیات سحابی استرآبادی» رباعیات استرآبادی از شاعران قرن دهم و اوایل قرن یازدهم را بلحاظ سبک‌شناسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است و نتیجه گرفته است که این رباعیات در سطح زبانی و ادبی حائز زیبایی‌شناسی خاصی نیست اما در سبک فکری ردپای اندیشه‌های خیامی در آن قابل مشاهده است.

روش پژوهش

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و سندکاوی که با بسامد گیری آماری از تمامی رباعیات «آهوی کوهی در دشت» از سروده‌های جلال خالقی‌مطلق (۱۳۹۷) انجام گرفته و نتایج با نمودارهایی نشان داده شده است.

بحث

این پژوهش با در نظر گرفتن مؤلفه‌های سبکی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بر آن است تا مهمترین شاخصه‌های سبکی روایت خالقی‌مطلق را مورد ارزیابی قرار دهد.

تعریف رباعی

رباعی را گونه‌ای گونه‌ای شعر ایرانی دانسته‌اند که در کنار دوبیتی و نیز تک‌بیتی بعنوان کوتاهترین قالب شعر فارسی شناخته شده است. «رباعی برخلاف قصیده یا غزل و قطعه که مفصل و مطولتر است، زودتر و بهتر از دیگر گونه‌های شعر، در خاطره‌ها ضبط و بر سر زبانها افتاده است. شمیسا در کتاب سیر رباعی مینویسد: «رباعی در اصطلاح شعری چهار مصرعی به وزن مفعول مفاعیل مفاعیل فعل بوده و از نظر قافیه نیز دو نوع است یا چهار مصرع قافیه دارد و یا مصرع سوم بدون قافیه است» (دهانی و نیک پناه، ۱۴۰۵: ص ۳۰۲؛ شمیسا، ۱۳۷۴: ص ۲۰). در یک تعریف دیگر از رباعی آمده است که رباعی شعری است دارای دو بیت که مطلع آن هم‌قافیه است و بر وزن «لا حول و لا قوة الا بالله» سروده میشود. بلحاظ قافیه، رعایت آن در دو مصرع بیت اول و مصرع چهارم لازم است اما در مصرع سوم آوردن قافیه کاملاً اختیاری است (ر.ک احمدی گیوی و دیگران، ۱۳۸۱: ص ۱۳۳).

پیرامون استاد فقید جلال خالقی‌مطلق

استاد فقید دکتر جلال خالقی‌مطلق زاده ۲۰ شهریور ۱۳۱۶، درگذشته ۹ اسفند ۱۴۰۴، ادیب، ایرانشناس، زبان‌شناس و شاهنامه‌پژوه ایرانی بود. عمده کارهای استاد خالقی‌مطلق و پژوهشهای ایشان در زمینه حماسه‌سرایی و شاهنامه حکیم فردوسی است. علاقمندان به فرهنگ و ادب فارسی، خالقی‌مطلق را بزرگ‌ترین شاهنامه‌پژوه ادوار در شعر فارسی میدانند چراکه این باور بصورت گسترده وجود دارد که او توانسته است تصحیحی نسبتاً بی‌نقص از شاهنامه فردوسی ارائه دهد. خالقی‌مطلق بیش از پنجاه سال از عمر خویش را به مطالعه و پژوهش در شاهنامه گذرانید و از او بعنوان یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های تاریخ زبان و ادب فارسی یاد میشود. خالقی‌مطلق در زمینه تصحیح متون توانست بسیار تأثیرگذار باشد. تحقیقات وی در زمینه ایران‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی همواره مرجعی برای اهل ادب و فن بوده و خواهد بود. خالقی‌مطلق سابقه برگزاری سخنرانیهای بسیاری در معتبرترین دانشگاه‌های جهان از جمله پرینستون، شیکاگو، سوربون، وین، لیدن و برکلی کالیفرنیا را داشته است. وی همچنین عضو هیئت‌گزینش کتاب و نیز جایزه بنیاد موقوفات استاد محمود افشار بود. در سال ۱۳۹۳ مراسم بزرگداشتی برای استاد فقید خالقی‌مطلق به همت مجله بخارا با همکاری بنیاد فرهنگی و اجتماعی ملت، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و بنیاد موقوفات دکتر افشار و نیز گنجینه پژوهشی ایرج افشار برگزار شد (ر.ک ویکیپدیا: جلال خالقی‌مطلق).

خالقی‌مطلق از سال ۱۳۵۰ در بخش ایران‌شناسی دانشگاه هامبورگ به تدریس زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی پرداخت. وی علاوه بر تدریس و نگارش صدها مقاله، و تصحیح معروف شاهنامه که دو مجلد از آن مجموعه مقالات او با عنوان «سخنهای دیرینه» و «گل رنجهای کهن» است نیز کتاب «حماسه: پدیده‌شناسی تطبیقی شعر پهلوانی»، «گزارش شاهنامه جلد یک و دو»، «واژه‌نامه شاهنامه»، «از شاهنامه تا خداینامه»، «واج‌شناسی شاهنامه»، «زن در شاهنامه»، «صد افسانه»، «زنان شاهنامه»، «شاهنامه و فرهنگ ایران»، «رستم و سهراب»، «فردوسی و شاهنامه‌سرایی»، «یادداشت‌های شاهنامه فردوسی» و «نظامی گنج‌های» را نیز به رشته تحریر درآورد. از استاد خالقی‌مطلق مجموعه رباعیاتی با همت انتشارات اندیشه با عنوان «آهوی کوهی در دشت» (۱۳۹۷) به یادگار مانده است. این مجموعه که ترانه‌های استاد فقید خالقی‌مطلق است، با مقدمه‌ای در خصوص رباعی به قلم ایشان شامل ۱۵۰ رباعی میباشد. مجموعه یادشده شامل گزیده رباعیاتی است که خالقی‌مطلق در طول سالها سروده است و میتوان آن را «سرگذشت مصوری از لحظه‌هایی دانست که شاعر در آن زندگی کرده‌است» (خالقی‌مطلق، ۱۳۹۷). این استاد و پژوهشگر برجسته عرصه شعر و ادب فارسی معاصر، سرانجام در تاریخ ۹ اسفند ماه ۱۴۰۴ بدنبال عارضه مغزی در سن ۸۸ سالگی در بیمارستانی در هامبورگ آلمان درگذشت.

معرفی رباعیات جلال خالقی‌مطلق

خالقی‌مطلق در مقدمه کتاب «آهوی کوهی در دشت» آورده است: «از زمانیکه جوانی دبیرستانی بود [م] دلبستگی بسیاری به قالب رباعی داشتم. در آن ایام در هر فرصتی سری به کتابخانه مجلس می‌زدم و دیوان شاعران را بمنظور گزینش رباعیاتی که در آن زمان از من نقض مینمودند، بررسی میکردم و برگزیده‌ها را در دفتر مینوشتم. آن دفتر که شامل ۵۳۴ رباعی است هنوز در میان کاغذهای خود دارم. پیش‌از مهر ۱۳۳۶ گهگاه شعرکی سروده بودم؛ ولی چیزی از آن در دستم نمانده است پس از آن سفر به دیاری دیگر و رویکرد به کار پژوهش مرا از سرودن شعر دور کرد. مگر گهگاهی فرصتی و حالی دست میداد و آن نیز بیشتر صرف ساختن یک رباعی میشد. از این رباعیات چند تایی در ماهنامه پَر [چاپ واشنگتن] و در فصلنامه کارنامه [چاپ پاریس] منتشر شد. سپس نخستین بار

۱۸۳ رباعی در دفتری با عنوان خلواره در پنجاه نسخه و فقط برای هدیه به دوستان منتشر گردید... آنچه اینک در این دفتر در دست خوانندگان است بخشی از آن ۱۸۳ رباعی است» (خالقی‌مطلق، ۱۳۹۷: صص ۱۳ - ۱۴). و تعدادی رباعی دیگر نیز به آن افزوده شد؛ [دفتر آهوی کوهی در دشت] شامل ۱۵۰ رباعی برگزیده از میان دویست رباعی است» (خالقی‌مطلق، ۱۳۹۷: صص ۱۳ - ۱۴). رباعیات خالقی‌مطلق ذیل چند موضوع قابل تقسیم‌بندی است: گذر عمر، مرگ، توجه به می، معشوق، اساطیر کهن و موعظه و اندرز به شیوه قدما و پیشینیان روایت خویش را سروده است. بطور کلی موضوعات مطرح‌شده در رباعیات خالقی‌مطلق را با کمی تسامح اینگونه تقسیم‌بندی نمود. از مجموع ۱۵۰ رباعی وی، ۷ رباعی (۶ / ۴ درصد) با محوریت موضوعات و اسامی اساطیری، ۵۳ رباعی (۴ / ۳۵ درصد) درخصوص گلایه از روزگار، حسرت ایام ازدست‌رفته، کودکی، بیان احوالات شخصی، خاطره‌ها و...، ۶۵ رباعی (۴ / ۴۳ درصد) در وصف عشق و ۲۵ رباعی (۶ / ۱۶) در ستایش می بیان‌شده است.

تحلیل داده‌ها

سبک هر شاعری را میتوان طرز سخن او، نحوه کاربرد واژگان، صور خیال و دایره معنایی افکار او دانست. «سبک شیوه‌ای خاص در نزد هر گوینده، و طرز فکر و مزاج و طبع اوست» (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ص ۱۷۶). سبک را شیوه خاص بیان مطالب دانسته‌اند به آن معنا که گوینده به‌نحو خاص و مشخص، مطالب خود را بیان میکند و بجهت این کار لغات، جملات، اصطلاحات، صنایع ادبی، صورخیال و موسیقی بیرونی گفتار خویش را نیز بگونه‌ای خاص مورد توجه قرار میدهد (رک شمیسا، ۱۳۷۸: ص ۱۲).

سطح زبانی

لایه لغوی: واژه‌ها و لایه لغوی یکی از مهمترین مؤلفه‌ها و گزاره‌هایی است که بکمک آن میتوان به ویژگیهای سبکی شاعر دست یافت. «واژه‌ها علاوه بر انتقال معنی و ایده‌ها، حامل نشانه‌های متمایزکننده هستند و شناخت نظام واژه‌گزینی و نوع واژه‌های مسلط بر متن، یک ضرورت سبک‌شناختی است» (فتوحی رود معجنی، ۱۴۰۰: ص ۲۶۸). با توجه به واژه‌های بکاررفته در یک اثر میتوان دلالت‌های واژگانی و نیز اندیشه حاکم بر ذهن نویسنده را بخوبی درک کرد. بلحاظ واژگانی واژگان بکاررفته در رباعیات خالقی‌مطلق ذیل سه دسته کلی جای میگیرند، نخست واژگان نو که حاصل دنیای معاصر است، دوم واژگان اساطیری و سوم واژگان تغزلی که بیشتر رمزگان تازه: گربه ملوس و ناز نازی (ص ۴۱)، لوس (ص ۴۱)، قهوه (ص ۵۴)، فنجان قهوه (ص ۵۴)، کافه (ص ۵۶)، پاریس (ص ۵۶)، سیگار (ص ۷۱)،

رمزگان اساطیری: رستم (ص ۱۹)، گیو (ص ۱۹)، قباد (ص ۱۹)، دیو (ص ۲۰)، شهنامه (ص ۲۰)، رستم زال (ص ۲۰)، بیژن (ص ۲۰)، گیو (ص ۲۰).

رمزگان تغزلی: عشق (ص ۱۹)، آغوش (ص ۲۱)، اشک (ص ۲۷)، بوسه (ص ۲۹)، مهر (ص ۳۰)، یار (ص ۵۰)، صدف تن (ص ۵۳)، مو (ص ۵۹)، دل (ص ۶۹)، پستان (ص ۷۳)، آغوش (ص ۸۱)، گیسو (ص ۸۴)، نرگس (ص ۸۸)، غنچه دهان (ص ۸۸)، دوش / کتف (ص ۹۱)، موی (ص ۹۸)،

رمزگان میخانه‌ای: سبو (ص ۱۹)، آب انگور (ص ۳۴)، گردن مینا (کوزه شراب) (ص ۳۵)، می (ص ۳۵)، تاک (ص ۳۵)، شراب (ص ۳۸)، شیشه باده (ص ۵۸)، ساغر (ص ۵۸)، مست (ص ۶۵)، جام می (ص ۶۷)، جام (ص ۶۷)، می خام (ص ۶۷)، شراب کهنه (ص ۸۸)، جام بلور (ص ۱۱۵)، جرعه (ص ۱۱۷)، شیشه (ص ۱۱۷)؛

تا در رگ و پی سردی ایام گرفت جانم هوس جام می خام گرفت
دانی که چه کس عمر خود کام گرفت؟ آنکس که لب یار لب جام گرفت
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۶۷)

یک شیشه باده همره رود و سرود با نوش لبی نشستن و گفت و شنود
بهرتر بودت اگر تو را این همه بود از هر چه که بود زیر این چرخ کبود
(همان: ص ۶۶)

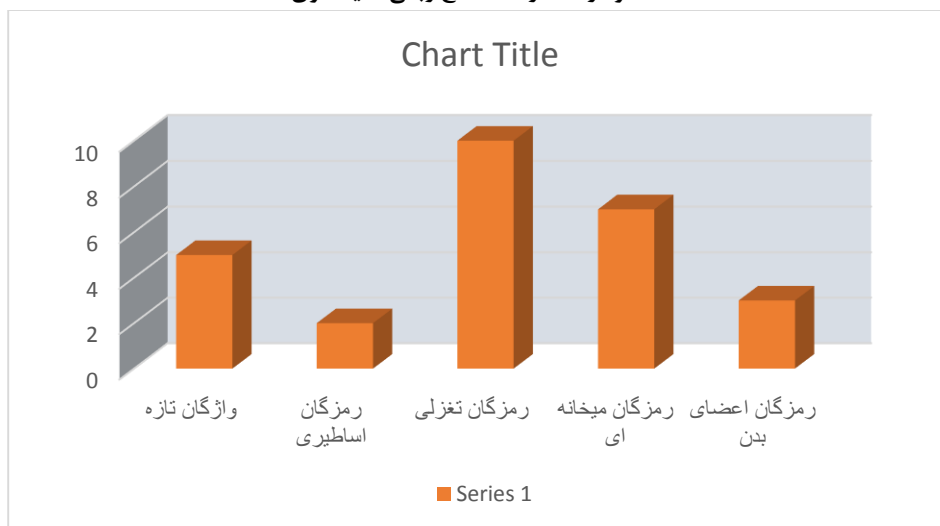
رمزگان اعضای بدن: توجه به اندام معشوق در رباعیات خالقی مطلق قابل ملاحظه است بعنوان مثال موی ۲ بار، کمر ۳ بار، گیسو ۶ بار، گردن ۱ بار، پستان ۶ بار، گوش ۱ بار، تن ۶ بار، خطوخال ۱ بار، دهان ۴ بار، پیرهن و جامه ۶ بار، لب ۷ بار، نسرین ۱ بار و انگشت ۱ بار. این واژگان اغلب در محتوای تغزلی رباعیات بخوبی توانسته‌اند نقش معنایی خود را ایفا کنند:

یادت آید در آن شب تابستان من خفتم و تو، میان گل در بستان
گه ناخن گل سخت گزیدت گردن گه پنجه من فشردت بستان
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۷۳)

از پرتو مهتاب تند تافته‌اند گیسوی تو را ز رنگ شب بافته‌اند
پرسم چو مَرَم کلاله پستانت این بر ز کدام بوستان یافته‌اند
(همان: ص ۸۵)

خلاقیت شاعر در انتخاب واژگانی که در یک ساختار باهم آیی، تناسب معنایی و مراعات النظیر انتخاب ایجاد میکنند، قابل توجه است.

نمودار (شماره ۱) سطح زبانی (لایه لغوی)



موسیقی بیرونی: یکی از عواملی که زمینه‌ساز موسیقی در شعر میشود، موسیقی کناری است که آشکارترین جلوه‌ی آن قافیه، ردیف و دیگر تکرارهاست (ر.ک شفیع کدکنی، ۱۴۰۳: ص ۱۹۵).

قافیه: «قافیه، تکرار الفاظی که از نظر معنا و احتمالاً از لحاظ شکل ظاهری با هم متفاوتند ولی از نظر لحن و آهنگ هم‌نوا هستند. شاعر اگر بخواهد حالتی مؤثر و پویا به شعرش بدهد، بگونه‌ای که مضامین و حال‌وهوای موردنظرش بنیکی بخواننده شعر انتقال یابد، باید قافیه همسو با مضمون کلی شعر برگزیند، زیرا قافیه بدلیل تکرار در تمام شعر، موجب میشود سخنی که شاید به جمله نیاید و حالتی که قابل بازگویی نیست بخواننده منتقل شود» (شفقت و مستعلی پارسا، ۱۴۰۳: ص ۱۸۳). در رباعیات خالقی مطلق قوافی مختلف به چشم می‌خورد. «در زبان فارسی، تعداد واژه‌هایی که میتوانند در جایگاه قافیه قرار بگیرند زیاد است و از میان ساختهای قافیه، بیشترین ساخت را [حروفی مانند] "ار" در بهاء، شکار، نثار، "ان" در پنهان، جان، حیران، "ر" در سر، در، بر، "ا" در گویا، تنها، پیدا و... بخود اختصاص داده‌اند» (نیکویخت، ۱۳۹۴: ص ۵۲).

جدول شماره (۱) الگوی هجایی قافیه در رباعیات خالقی مطلق

صامت + مصوت بلند + صامت صامت مانند: بافته‌اند	صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت مانند: بخت	مصوت کوتاه + مصوت بلند مانند: کشید	صامت + مصوت کوتاه + صامت مانند: یخ	صامت + مصوت بلند + صامت مانند: زود دود
۹۲	۵	۲۴	۱۲	۱۷

در تعریف ساختار ظاهری قافیه آمده‌است که رباعی یا بصورت سه قافیه‌ای است یا چهار قافیه‌ای. آنچه که بررسی و تحلیل ساختار رباعی از گذشته تاکنون نشان می‌دهد آن است که «رباعی هر چه قدیم‌تر باشد، بیشتر چهار قافیه‌ای است؛ اما رباعیات جدیدتر بیشتر خصی است؛ یعنی مصرع سوم قافیه ندارد» (شمیسا، ۱۳۷۴: ص ۲۹۸). خالقی مطلق تقریباً در ۲۴ رباعی از ساختار چهار قافیه‌ای پیروی کرده‌است:

پاییز شبی به باغ زیر گل یخ خندان گل یخ چو دُر کشیدی در نخ
دور از تو کنون نشسته‌ام من آوِخ زیر گل یخ دست زده زیر زرخ
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۴۹)

در خانه بجز درد پرستارم نیست در کوی بجز سنگ کسی یارم نیست
گویی که همیشه شب و یا من کورم یک روزنه در چهاردیوارم نیست
(همان: ص ۵۱)

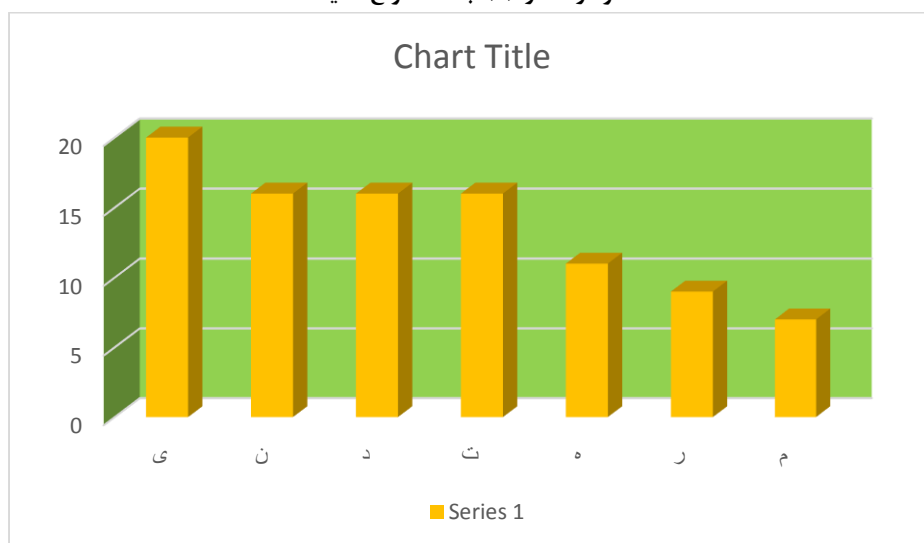
یادت آید به کافه‌ای در خم راه روزی که هوا بود و شبی سرد و سیاه
در خوردن یک قهوه گزیدیم پناه من بودم و تو، میان ما پیک نگاه
(همان: ص ۵۷)

خورشید چو مهر از زمین میگیرد شب آید و ماه در نگین میگیرد
کندوی سرم هزار چین میگیرد از بوی خیالت انگبین میگیرد
(همان: ص ۷۱)

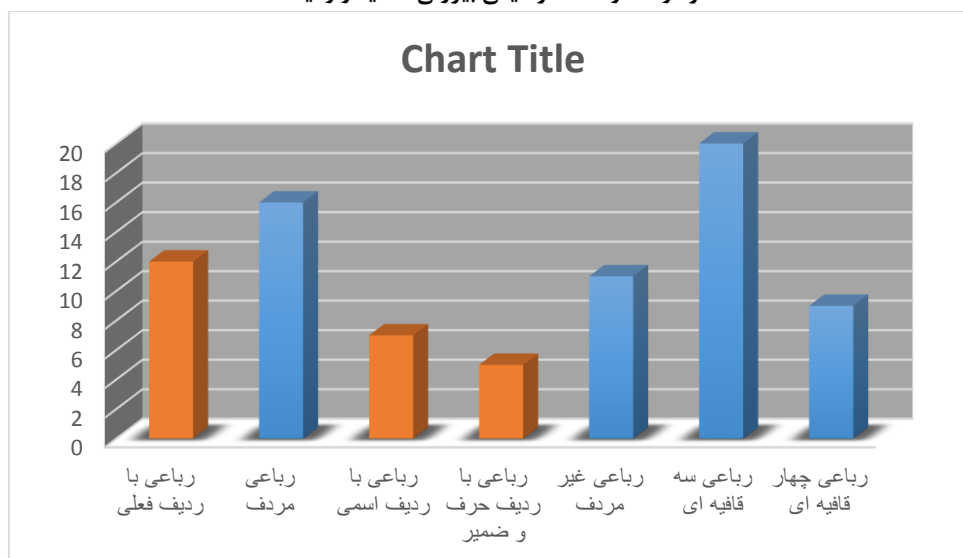
ردیف: آغاز پیدایی رباعی، بصورت مردف بوده است. «رباعی از همان زمان پیدایش، بصورت مردف بوده‌است و کمتر رباعی خوب و موفق در زبان فارسی میتوان یافت که بدون ردیف باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۴۰۳: ص ۱۶۲). براساس بررسیهای بعمل آمده در ۱۵۰ رباعی جلال خالقی مطلق ۹۹ رباعی وی مردف است که از این میان ۷۷

مورد ردیف فعلی می‌باشد و ۱۱ مورد ردیفهای اسمی و قیدی و ۱۱ مورد آن‌هم حرف و ضمیر است. ردیفهای فعلی خالقی مطلق اغلب افعالی است که با است بکار رفته بعنوان مثال «مانده است»، «شسته است»، «افروخته است»، «شده است»، «بارور است»، «باقی است»، «ردیفهای اسمی»، حرفی ضمیری و قیدی نیز از قبیل «من»، «را»، «او»، «تو» مثالهایی ازین دست است.

نمودار شماره (۲) بسامد انواع قافیه



نمودار شماره (۳) موسیقی بیرونی (قافیه و ردیف)



تکرار: تکرار واژه از دیگر شاخصه‌های سبکی است که سبب ایجاد موسیقی در کلام میشود و از میان ۱۵۰ رباعی مورد بررسی در این پژوهش، حدود ۵۶ تکرار واژه دیده میشود:

من بی تو شب و روز به بگریستم از اشک به کار پرنیان زیستم
من بی تو همان آهوی کوهی در دشت بیزار نه از دویدن از زیستم
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۲۷)

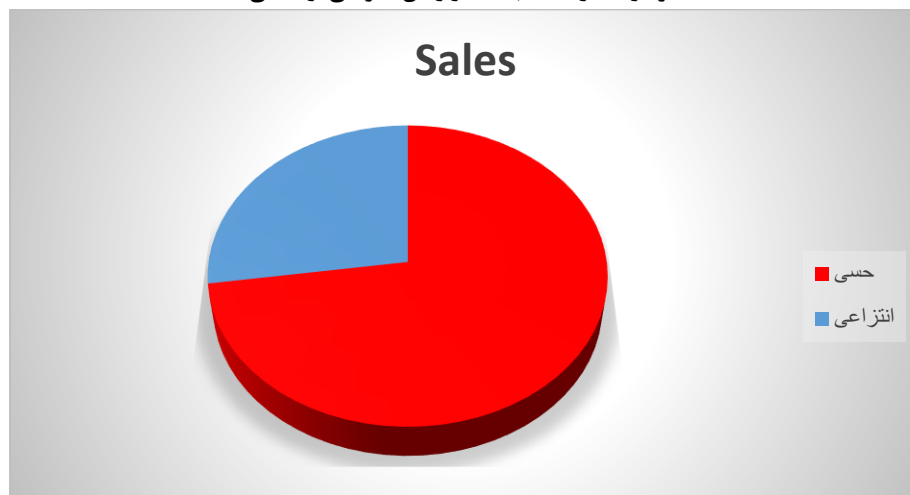
پیش آر می و بگو که تا نی سازند زان می که ز تاک کشور ری سازند
این کوزه گران که کوزه می‌سازند تا کوزه می ز خاک ما کی سازند
(همان: ص ۳۵)

یک روز چه روز ناپرورد بُود یک روز چه روز تیره و سرد بُود
یک روز پُر است از گل و رود و سرود روز دگر آستن صد درد بُود
(همان: ص ۳۹)

واژگان انتزاعی و حسی: براساس آنچه که در سبک‌شناسی از نظر فتوحی مطرح‌شده است، واژه‌های انتزاعی واژه‌هایی هستند که باورها و معانی ذهنی را القا می‌کنند و واژه‌های انتزاعی، واژه‌هایی هستند که بر واقعیت‌های بیرونی و حسی دلالت دارند. کثرت کاربرد هرکدام از این موارد، نشان از ایدئولوژی شاعر یا نویسنده دارد؛ در رباعیات خالقی مطلق، بسامد بهره‌گیری از واژگان حسی بیشتر از واژگان انتزاعی است، واژگانی که بر اجزاء طبیعت، اندام معشوق، واژگان میخانه‌ای (می، کوزه، سبو مینا) پرندگان، غذاها (کباب، قهوه، چای) و... دلالت دارند از این قبیل هستند:

برف آید و برف آید و برف آید سخت از شاخ بسته رخت گل، از من بخت
ای کاش بهار در رسد یارم نیز تا بخت به من سر زند و گل ز درخت
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۵۰)

نمودار شماره (۴) بسامد واژگان انتزاعی و حسی



ضمایر: برخی از کلمات (ضمایر من / تو) در رباعیات خالقی مطلق بسامد نسبتاً قابل توجهی دارند که نشان از نظام فکری وی است.

ضمیر من: خالقی در بیان حالات عاشقی خود ضمیر من را (۵۵) بار در رباعیات خود بکار برده است. این تعداد منهای شناسه (م) است که شاعر و مورد استفاده قرار داده است:

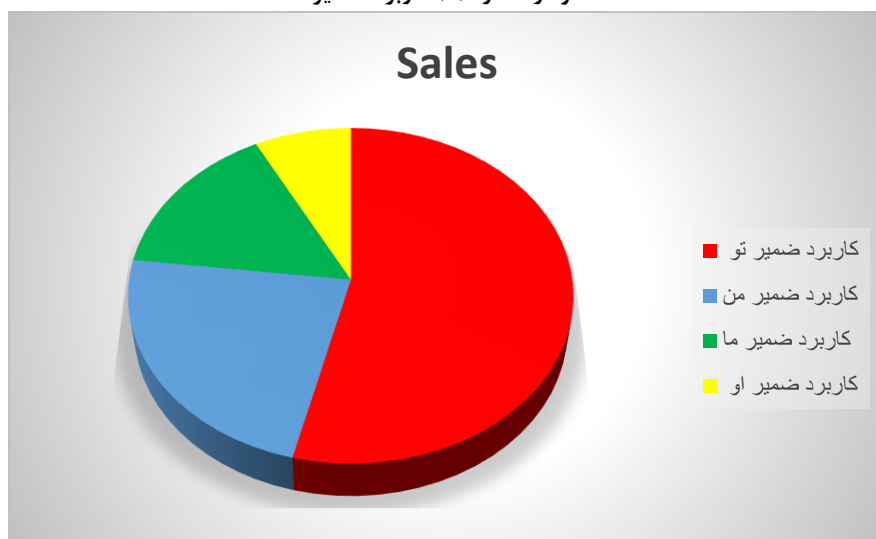
ضمیر تو: ضمیر تو حدود ۶۴ بار در رباعیات خالقی مطلق استفاده شده است. خالقی مطلق محبوب خویش را با ضمیر «تو» بسیار مورد خطاب قرار داده است تا جاییکه خواننده و مخاطب حس میکند معشوق پیوسته در مقابل وی حضور داشته و میان آنها گفتگویی مداوم بوده است؛ ضمیر ما نیز حدود ۷ مرتبه و ضمیر او نیز ۴ مرتبه بکار رفته است.

یادت آید به کافه‌ای در خم راه روزی که هوا بود و شبی سرد و سیاه
در خوردن یک قهوه گزیدیم پناه من بودم و تو، میان ما پیک نگاه
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۵۷)

تو رفته و من نشسته تا نامه تو آید شنوم پیامی از خامه تو
تا نامه تو رسد کنون می‌بویم بوی تن تو که مانده در جامه تو
(همان: ۶۹)

این هفته که سر به خانه بی او کردم بی او تو مپندار دمی خو کردم
شب شکوه به ماه بردم و چون شد روز چون فاخته چرخیدم و کوکو کردم
(همان: ص ۷۴)

نمودار شماره (۵) کاربرد ضمایر



واژگان عامیانه و فاخر: در رباعیات خالقی مطلق بسامد واژگان فاخر بیش از واژگان عامیانه است و اصولاً کلماتی که فاقد تشخیص ادبی میباشند چندان مورد توجه شاعر قرار نگرفته است؛ گرچه میتوان نمونه‌هایی از این واژگان را نیز در رباعیات وی مشاهده کرد؛ مانند بگو مگو (ص ۱۷)، ملوس ناز نازی (ص ۴۱)، ننو (ص ۹۵) در مشت چیزی داشتن (ص ۱۰۴)، بوسان بوسان (در حال بوسیدن) (ص ۱۱۶)، اگر و مگر (ص ۱۲۷).

تقدم قید: این نوع از سبک نحوی در رباعیات خالقی مطلق قابل‌مشاهده است. در ۳۴ مورد، انواع قیده‌ها در رباعیات خالقی مطلق، مقدم شده‌است که نسبت به ساختار نحوی معیار در باقی رباعیات عدد چندان قابل‌توجهی نیست؛ نمونه‌ای از این مثال:

امروز بیا که جانم افروخته است در عشق تو لب ز نیک و بد دوخته است
فردا مزین انگشت من به در بیهوده که این کلبه خموش و شمع آن سوخته است
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۲۲)

لایه نحوی: در لایه نحوی آنچه که مورد بررسی قرار می‌گیرد سبب تشخیص سبکی خاص شاعر می‌شود.
فصاحت و بلاغت: در کتاب البیان و التبیین جاحظ (۱۶۰ - ۲۵۵ ق) نخستین تعریف از فصاحت و بلاغت آمده‌است، جاحظ در این رابطه گفته است دو عامل گزینش لفظ و رساندن معنا عامل فصاحت و بلاغت است (ر.ک جاحظ، بی تا: ۱ / ص ۱۱۶). ابوهلال عسکری نیز در تعریف فصاحت و بلاغت گفته است: «بلاغت، قرار دادن کلام در جایگاه آن، همراه با اطناب و ایجاز در خور و الفاظی نیکوست» (عسگری، ۲۰۰۶ م: صص ۱۳ - ۱۸). عبد القاهر جرجانی بر این عقیده بود که «بلاغت و فصاحت عبارت است از نوعی نظم و ترتیب قسمی تألیف و ترکیب» (جرجانی، ۱۳۸۳: صص ۳۷ - ۳۸). از اوصافی که محل فصاحت کلمه است میتوان به تنافر حروف، مخالفت با قیاس، غرابت استعمال و کراهت استعمال نام برد.

غرابت استعمال: در رباعیات خالقی مطلق به‌ندرت واژه نامأنوس بکاررفته است.

بنگر که ز من کنون چه برپا مانده است در دست چاهام ز شور دریا مانده است
روز و مه و سال و آب دریا را خورد یک بادیه شوره‌زار بر جا مانده است
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۱۸)
ای باد یکی پیام یاران آور این شاخه خشک را بهاران آور
یا بر سر خاک چاک چاکم ابری آبستن صد هزار باران آور
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۱۸)
شد دیده سفید و او نبگشاد دری او رفت و نزد به کشته خویش سری
این شاخه خشک را تکانی بس بود بیهوده زد او به ریشه‌ی من تبری
(همان: ص ۶۱)

مخالفت با قیاس: مخالفت با قیاس آن است که استعمال کلمه برخلاف موازین دستوری و صرفی صورت گیرد: مثل واژه «نوازش» بمعنای نوازشش کنم در رباعی زیر:

یادم آید چمن پر از پروانه من کودک و تازان پسران پرو، انه
پروانه‌ای امروز نشسته به گلی نوازش ولی پر وا نه
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۴۵)
پاییز شده است و برگریزان شده است سبزی ز در و دشت گریزان شده است
من بی‌تو، نشسته گوشه‌ای با یادت اندوه به جان من ستیزان شده است
(همان: ص ۴۷)

تنافر حروف:

پاییز شبی به باغ زیر گل یخ خندان گل یخ چو دُر کشیدی در نخ
دور از تو کنون نشسته‌ام من، آوخ زیر گل یخ دست زد، زیر زنج
(همان: ص ۴۹)

ترتیب اجزاء کلام: از شاخصه‌های نحوی که در تحلیل سبکی بسیار حائز اهمیت است، موضوع چیدمان واژه‌ها در جمله است. «چیدمان واژه‌ها در جملات یا بطریق طبیعی است یا بصورت برجسته‌سازی؛ در چیدمان نشاندار در زبان فارسی ترتیب طبیعی اجزای جمله شامل فاعل + مفعول + فعل است که نحو عادی زبان را شکل می‌دهد؛ اما اجزای جمله بدلیل گوناگون از جمله تأکید بر بخش خاص، حالات عاطفی و روحی گوینده و اهمیت اجزای جمله از نظر شاعر میتواند دچار تقدم و تأخر شود» (معینیان و دیگران، ۱۴۰۳: ص ۱۵۷).

تقدیم فعل: در رباعیات خالقی مطلق حدود ۴۰ مرتبه، فعل در آغاز آمده است که نسبت به تعداد رباعیات درصد قابل توجهی را شامل نمیشود:

بنشین نگویم برکه آبی را مهمان به دو نان کنیم مرغانی را
شاداب دو سه بوسه بگیریم که زود تاراج کند زمان شادابی را
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۲۹)

وجهیت: «وجهیت میزان اطمینان و قطعیت در کلام را نشان میدهد؛ امید، آرزو، خبر و احتمال از انواع وجهیت است» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ص ۳۸۱).

وجه خبری: در این جملات، خبر از قطعی بودن یا نفی و اثبات یک امر بصورت قطعی مورد توجه قرار میگیرد. در رباعیات خالقی مطلق از ۷ / ۷۹ وجه خبری استفاده شده است.

پاییز شده‌است و پژمریده چمن است گلزار تهی ز سنبل و یاسمن است
از آن همه لاله‌های رنگین که شکفت یک لاله اگر هست، دل سرخ من است
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۴۸)

خالقی مطلق بیشتر از وجه خبری و قطعی در روایت خود بهره گرفته است.

وجه پرسشی: هر گاه در جهان پیرامون یک مسأله یا موضوع پرسش و سؤالی مطرح شود، از وجه پرسشی استفاده شده است:

از پرتو مهتاب تنت تافته‌اند گیسوی تو را ز رنگ شب تافته‌اند
پرسم چو مَرَم کلاله پستانت این بر ز کدام بوستان یافته‌اند؟
(همان: ص ۸۵)

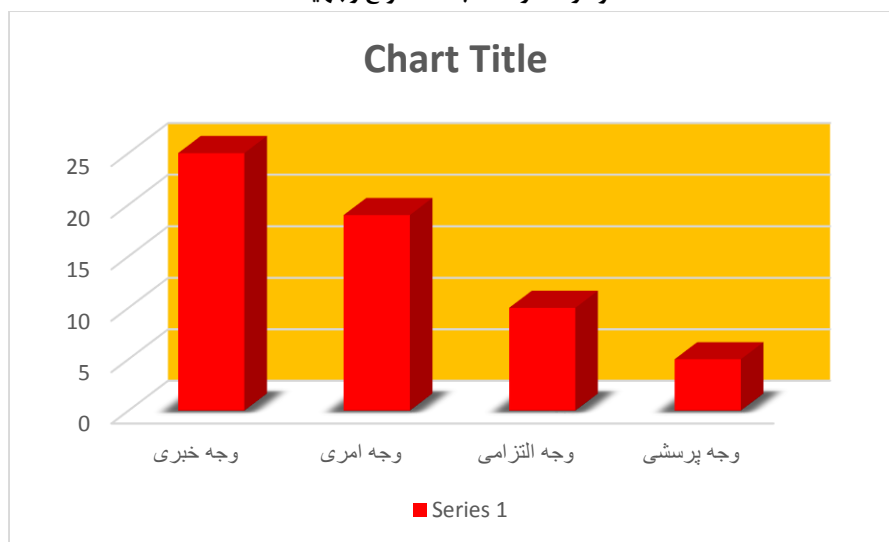
وجه امری: وجه امری نیز از دیگر وجوه مورد توجه در رباعیات خالقی مطلق است:

اکنون که ز عمر چند سالی باقی است از بهر شراب خرده مالی باقی است
از چهره یار خط و خالی باقی است دریاب گرت هنوز حالی باقی است
(همان: ص ۸۶)

وجه التزامی: دعا، نفرین، آرزو و خواهش و امثال آن بکمک وجه التزامی بیان میشود؛ بسامد استفاده از وجه التزامی در رباعیات خالقی مطلق بسیار اندک است؛ نمونه‌ای از آن:

برف آید و برف آید و برف آید سخت از شاخ ببسته رخت گل، از من بخت
ای کاش بهار در رسد یارم نیز تا بخت به من سر زند و گل ز درخت
(همان: ص ۵۰)

نمودار شماره (۶) بسامد انواع وجهیت



سطح ادبی: در سطح ادبی آرایه‌هایی از جمله تشبیه، استعاره، کنایه و صنایع بدیعی مانند تلمیح، تضاد، تناسب و... بررسی میشود.

تشبیه: در ۱۵۰ رباعی خالقی مطلق، تعداد ۹۸ تشبیه بکار رفته است. از این میان ۴۸ تشبیه بلیغ، ۲۸ تشبیه مفصل مرسل و تشبیه ۲۳ تشبیه مرسل استفاده شده است. طبق بررسیهای بعمل آمده بیشترین میزان تشبیهات مربوط به تشبیه بلیغ (اضافی) میباشد تشبیهاتی که در آنها وجه شبه و ادات تشبیه حذف شده است این شگرد ادبی با ساختار اشعار کوتاه از جمله رباعی بسیار همخوان است. بیشتر تشبیهات خالقی مطلق از نوع ملموس و محسوس است:

از باغ بهار عشق بویی مانده است دریا همه خشک گشت و جویی مانده است
از روز جوانی‌ام بجز یاد زان میکده بشکسته صبحی مانده است
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۳)

نمونه‌ای از تشبیه مفصل مرسل:

گرم است هوا چو کوزه‌ای از دم دیو هر دم کشد از کوچه یکی دیو غریو
من بندی شهنامه، مگر رستم زال بیرون کشدم از این چه بیژن گیو
(همان: ص ۲۰)

تشبیه حسی به حسی: مشبه و مشبه‌به هر دو حسی هستند:

بی‌تو صدف تنم ز دردانه تهی است چون خوشه خورد، آفت از دانه تهی است
بی‌تو، تو مپندار کسم دیگر نیست صد کس دگرم هست ولی خانه تهی است
(همان: ص ۲۵)

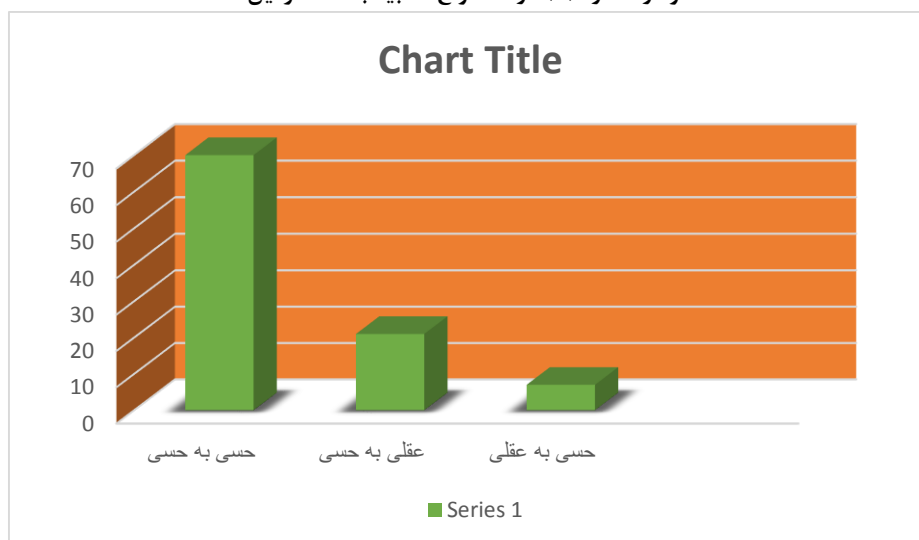
تشبیه حسی به عقلی: مشبه حسی و مشبه به عقلی است:

ای یار بیا می‌ای بهم نوش کنیم و آنگاه چراغ کلبه خاموش کنیم
از دوزخ تن بهشت آغوش کنیم یکدم غم زندگی فراموش کنیم
(همان: ص ۸۷)

تشبیه عقلی به حسی: مشبه عقلی و مشبه به حسی است:

در عشق غمی ز بود و نابود نماند تارم هم پود گشت و آن پود نماند
در کوره عشق آنچنان سوخت دلم کاین سوخته دود گشت و آن دود نماند
(همان: ص ۵۱)

نمودار شماره (۷) درصد انواع تشبیه بلحاظ طرفین



استعاره: « استعاره گرچه خود عاریتی و فرا واقعی است، اما واقع‌نمایی بسیار دارد که در تشبیه دیده نمی‌شود؛ زیرا تشبیه همسانی دو پدیده و استعاره یکسانی آنهاست. وقتی شاعر چهره را به گل تشبیه می‌کند، گل عنصری زاید است که صفاتی چون لطافت، تازگی، زیبایی و سرخی را به چهره منتقل می‌سازد؛ اما وقتی چهارگل را در استعاره بجای چهره مینشانند با یک جزء زبانی روبه‌رو هستیم و این ایجاز، فشردگی را از تشبیه دور میکند و به طرف نگاهی ژرف و ابهام میکشاند» (حسام، ۱۳۹۶: ص ۱۶۵، شفق و مستعلی پارسا، ۱۴۰۳: ص ۱۹۶).

استعاره مصرحه: در این نوع استعاره که آن را محققه یا تحقیقه نیز می‌گویند، مشبه به به‌مراه ملائمت (صفات مشبه)، مشبه به بعلاوه ملائمت یا صفات مشبه به و مشبه به بعلاوه ملائمت و صفات مشبه به و مشبه مورد توجه قرار می‌گیرد که به‌ترتیب استعاره مجرده، مرشحه و مطلقه را ایجاد می‌کند:

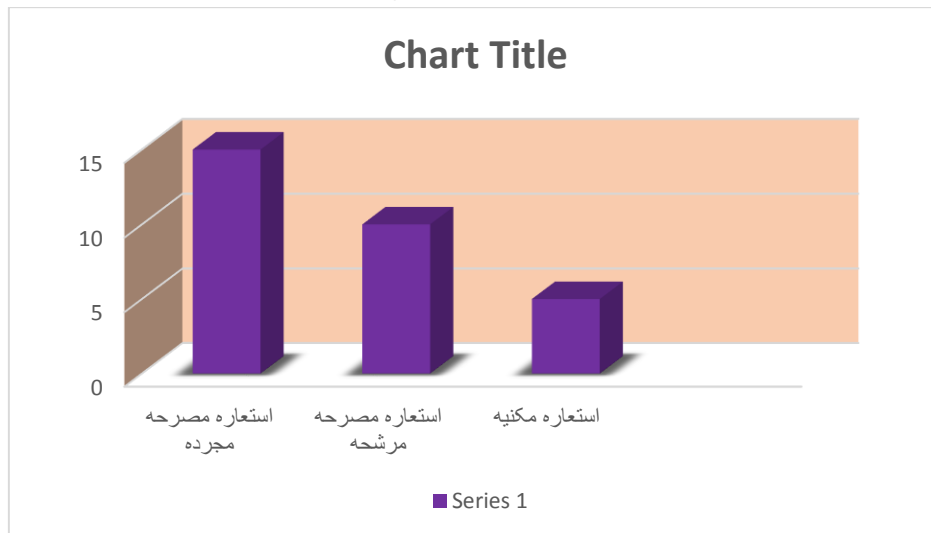
استعاره مصرحه مجرده:

ای باد یکی پیام یاران آور این شاخه خشک را بهاران آور
یا بر سر خاکِ چاک چاکم ابری آبستن صد هزار باران آور
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۲۶)

این نوع استعاره در رباعیات خالقی مطلق حدود ۶۷ درصد از بسامد را بخود اختصاص داده است. استعاره مصرحه مرشحه: با بررسیهای بعمل آمده این نوع استعاره در رباعیات خالقی مطلق ۳۱ درصد بسامد دارد: شد دیده سفید و او نَبْگشاد دری او رفت و نَزَد به کشته خویش سری
این شاخه خشک را تکانی بس بود بیهوده زد او به ریشه‌ی من تبری
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۳۱)

استعاره مکنیه: حدود دو درصد از استعاره‌های موجود در روایت خالقی مطلق را بخود اختصاص داده است: یادت آید در آن شب تابستان من خفتم و تو، میان گل در بستان
گه ناخن گل سخت گزیدت گردن گه پنجه من فشردت بستان
(همان: ص ۷۳)

نمودار شماره (۸) بسامد انواع استعاره



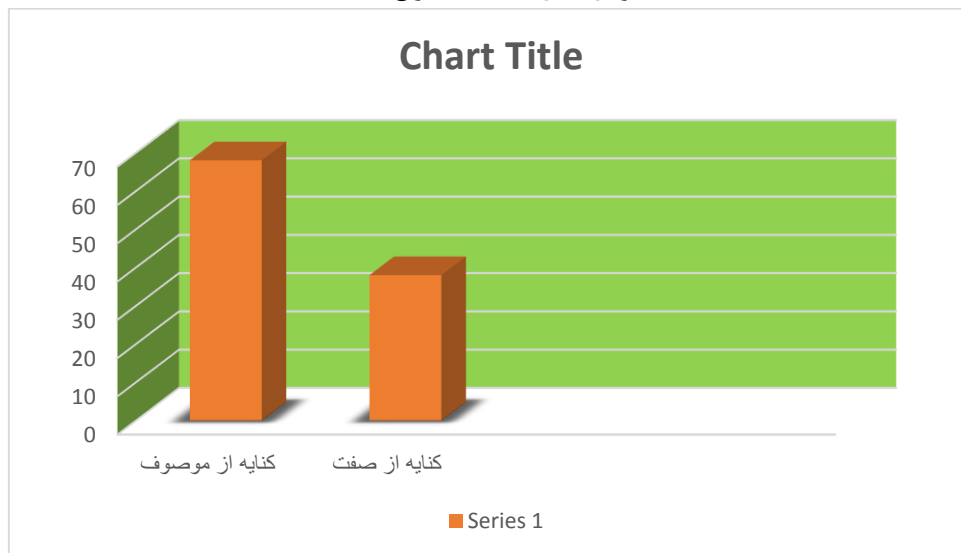
کنایه: کنایه در لغت بمعنای پوشیده‌گویی و پنهان سخن گفتن است. «در اصطلاح علم بیان عبارت است از ایراد لفظ و اراده معنایی غیرحقیقی، طوری‌که معنای عقلی را نیز اراده کرده بتوانیم» (علوی مقدم، ۱۳۸۷: ص ۱۳۳). انواع کنایه شامل کنایه از موصوف، کنایه از صفت و کنایه از فعل می‌باشد. کنایه از موصوف (اسم): ذکر صفت یا صفاتی و اراده موصوف است. به سیاق دیگر، صفتی یا صفاتی ذکر شود، اما موصوف اراده شود:

دردی است به دل که تا روانم فشرد گویی کسی ریشه جانم فشرد
یارا، یارا مرا در آغوش فشار زان پیش که گور استخوانم فشرد
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۲۱)

کنایه از صفت: در این نوع از کنایه، صفت یا صفاتی ذکر میشود که از لابه‌لای آن میتوان متوجه موصوف شد:
شد دیده سفید و او نُبْگشاد دری او رفت و نَزْد به کشته خویش سری
این شاخه خشک را تکانی بس بود بیهوده زد او به ریشه من تبری
(همان: ص ۳۱)

در رباعیات خالقی مطلق کنایه از موصوف بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در حدود ۴ / ۶۸ درصد کنایه از موصوف را میتوان در این رباعیات مشاهده کرد.

نمودار شماره (۹) بسامد انواع کنایه



آرایه‌های علم بدیع

تناسب (مراعات‌النظیر): تناسب آن است که شاعر در کلام خویش واژه‌هایی را استفاده کند که جزئی از یک کل هستند و بین این اجزا، ارتباط معنایی برقرار باشد.

زان کلبه در آن بیشه، دگر هیچ نبود جز هیزم و یک تیشه دگر هیچ نبود
روید علف، به بوی او آغشته جز گردن یک شیشه دگر هیچ نبود
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۷۸)

درصد فراوانی آرایه تناسب در رباعیات خالقی مطلق ۴ / ۳۸ درصد میباشد.

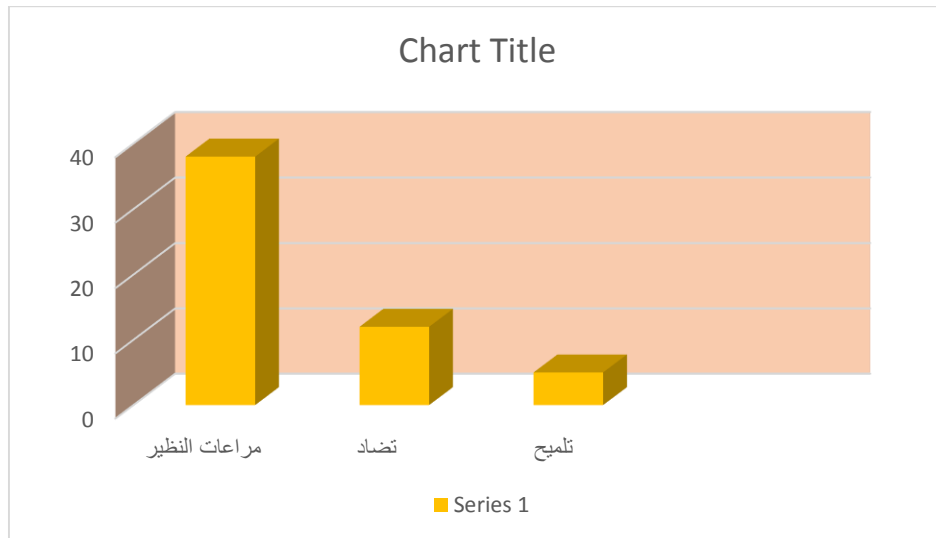
تضاد: در رباعیات خالقی مطلق ۹ / ۱۲ درصد از آرایه‌ها بکار رفته تضاد است:

شب گشت و نسیم در بَم و زیر شده است سبزه ز دَمَش بسی شکن‌گیر شده است
با بوسه کن آغاز مها ورنه که زود شبگیر شده است و کار ما دیر شده است
(همان: ص ۹۱)

تلمیح: فراوانی آرایه تلمیح در رباعیات خالقی مطلق چندان قابل توجه نیست:

گرم است هوا چو کوزه‌ای از دم دیو هر دم کشد از کوچه یکی دیو غریو
من بندی شهنامه، مگر رستم زال بیرون کشدم از این چه بیژن گیو
(همان: ص ۲۰)

نمودار شماره (۱۰) بسامد انواع آرایه‌های بدیع معنوی



بینامتنیت: در روش تحلیل بینامتنی «با توجه به پذیرش پیوستگی از یک متن به متن دیگر، میتوان از حوزه متن فراتر رفت، از مرزهای آن عبور نمود و خویشتن را در مقابل متن دیگر و یا متونی دیگر یافت؛ بدیگر سخن هیچ متنی در محدوده خلق مؤلف باقی نخواهد ماند؛ بلکه یک متن بواسطه کسانی نوشته میشود که آنرا بازنویسی یا نقل نمایند» (حسن‌پور و دیگران، ۱۴۰۳: ص ۲۰۷). در بینامتنیت به این مسأله توجه میشود که هیچ متنی بدون یک پیش متن نیست و متون برپایه متنهای دیگر (گذشته) برپا میشود. در رباعیات خالقی مطلق نمونه‌هایی از تأثیر پذیری از خیام و نظامی دیده میشود و بجز آن تأثیرپذیری دیگری وجود ندارد؛ اما تشابه مضمون و حتی واژگان در این زمینه قابل تأمل است. نمونه‌هایی از تشابه مضمون و واژگان با خیام و نظامی:

پیش آر می و بگو که تا نی سازند زان می که ز تاک کشور ری سازند
این کوزه‌گران که کوزه می‌سازند تا کوزه می ز خاک ما کی سازند
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۳۵)

شباهت مضمونی به این بیت از خیام:

بر کوزه‌گری پریر کردم گذری از خاک همی نمود هر دم هنری
من دیدم اگر ندید هر بی بصری خاک پدران در کف هر کوزه‌گری
(خیام، ۱۳۳۸: ص ۱۵)

چون باد مرا روز جوانی بگذشت
ناگاه بیامد و نهانی بگذشت
حالی که تو را افتد و دانی بگذشت
تا چشم زدیم زندگانی بگذشت
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۴۱)

تشابه مضمون با این ابیات از خیام:

افسوس که نامه جوانی طی شد
آن مرغ طرب که نام او بود شباب
و آن تازه بهار زندگانی طی شد
افسوس ندانم که کی آمد کی شد
(خیام، ۱۳۳۸: ص ۹ - ۱۰)

یک شیشه باده هم‌ره رود و سرود
بهرتر بودت اگر تو را این همه بود
با نوش لبی نشستن و گفت و شنود
از هر چه که بود زیر این چرخ کبود
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۶۶)

تشابه مضمونی با این ابیات از خیام:

چون نیست حقیقت و یقین اندر دست
هان تا ننه‌مید جام می از کف دست
نتوان به امید شک همه عمر نشست
در بیخبری مرد چه هشیار و چه مست
(خیام، ۱۳۳۸: ص ۲۱)

گر بار دگر بخت سپارد به مَنّت
کز تو شناسد این تنم پیره‌نم
آنان بکشم تنگ در آغوش تَنّت
کز من شناسد آن تنّت پیره‌نم
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۱۱۱)

مشابه این مضمون از نظامی در منظومه خسرو و شیرین:

در آغوشم کشم آنسان تنّت را
که نبود آگهی پیراهنت را
(نظامی، ۱۳۸۴: ص ۳۸۴)

سبک فکری: در این لایه جهان‌بینی و دیدگاه‌های شاعر یا نویسنده مورد توجه قرار می‌گیرد. اصلیت‌ترین و محوریت‌ترین موضوع مورد توجه در روایت خالقی مطلق، عشق و مطالب مربوط به آن است و نیز گذران عمر به یاد ایام گذشته است. بجز برخی از رباعیات که توصیف حالات شخصی شاعر است، سایر رباعیات عاشقانه است و از نوع عشق زمینی می‌باشد. در این رباعیات، ویژگی‌های معشوق، دلتنگی شاعر، یاد روزگار عاشقی و جوانی و... درهم آمیخته است.

در وصف عشق

عکسی دارم که تو در آغوش منی
رفته است از این عکس کنون سالی چند
آرام بهشت و چشمه نوش منی
امروز هنوز آفت هوش منی
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۸۱)

ای عشق در نیازها هستی تو
بر چیستی تو هیچکس راه نیافت
دروازه شهر آرها هستی تو
شک نیست که راز رازها هستی تو
(همان: ص ۱۱۴)

جفای معشوق

بی مهری تو به مغز جان نبشته است
آن نیش که بی بهانه بر من زده‌اند

در مغز و دل و خون و روان نبشته است
تیری شده و به استخوان نبشته است

اندوه عشق

دردی است به دل که تا روانم فشرد
یارا، یارا مرا در آغوش فشار

گویی کسی ریشه جانم فشرد
زان پیش که گور استخوانم فشرد
(همان: ص ۲۱)

امروز بیا که جانم افروخته است
فردا مزین انگشت به در بیهوده

در عشق تو لب ز نیک و بد دوخته است
کاین کلبه خموش و شمع آن سوخته است
(همان: ص ۲۲)

احوالات شخصی شاعر

من بی تو شب و روز به بگریستم
من بی تو همان آهوی کوهی در دشت

از اشک به کار پرنیان زیستم
بیزار نه از دویدن از زیستم
(همان: ص ۲۷)

گذر عمر

از باغ بهار عشق بویی مانده است
از روز جوانی‌ام بجز یاد نماند

من در دل خود بس آرزوها دارم
پیمانه عمر پر شد افسوس افسوس

دریا همه خشک گشت و جویی مانده است
زان میکده بشکسته سبویی مانده است
(همان: ص ۱۹)

با خویشتنم بگو مگوها دارم
با باده هنوز گفتگوها دارم
(خالقی‌مطلق، ۱۳۹۷: ص ۱۷)

شکایت از پیری

افسوس که دیگرم توش و تن نماند
از آن همه آغوش بجز یادی گرم

نیروی به پای و دیده و گوش نماند
در پیر سر گرفته در پوش نماند
(همان: ص ۴)

نکوهش ایام

شب گشت و دوباره دلم در شور افتاد
دشواری کار ما به کوشش نگشود

اشکم به بر و سپیده دم دور افتاد
در رشته بخت این گره کور افتاد
(همان: ص ۳۳)

وصف شراب

یک روز شراب ناب می‌باید خورد
یک روز دگر ساخته با دود جگر

وز ران بره، کباب می‌باید خورد
از چشمه چشم آب می‌باید خورد
(همان: ص ۳۸)

یک شیشه باده هم‌ره رود و سرود با نوش لبی نشستن و گفت و شنود
بهتر بودت اگر تو را این همه بود از هر چه که بود زیر این چرخ کبود
(خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ص ۶۶)

چنانکه از برخی از رباعیات شاعر برمی‌آید روایت فلسفی و خیام وار نیز میان سرودهای خالقی مطلق قابل توجه هستند. رباعیاتی که از آن میان میتوان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

خوش باد به گوشه چمن بنشستن از شیشه باده ساغری بشکستن
جز یار ز هر چه نیک و بد گسستن از خویش رهیدن و بدو پیوستن
(همان: ص ۵۸)

بنشین که نگاه خود بهم حلقه کنیم های دم خویش دم به دم حلقه کنیم
سر پنجه خود به یکدیگر در پیچیم زان پیش که پنجه در عدم حلقه کنیم
(همان: ص ۶۳)

نتیجه‌گیری

براساس نتایج پژوهش انجام‌شده، از لحاظ ویژگیهای زبانی و موسیقایی توجه به رباعیات سه قافیه‌ای در رباعیات خالقی مطلق قابل توجه است که میتوان گفت خالقی مطلق در راستای توجه به سنت رباعی‌سرایی شعر فارسی و بشیوه مرسوم گذشتگان از این رباعیات با سه قافیه بهره گرفته است. واژه‌هایی که در اشعار خویش برگزیده است بیشتر مربوط به حوزه امور محسوس است از این‌رو تصاویر حاصل از این انتخاب شاعر در لایه ادبی، کاملاً عینی و محسوس میباشند. خالقی مطلق، تصاویر تشبیهی را بیشتر مورد توجه قرار داده است و پس از آن استعاره و کنایه در رتبه‌های بعدی قرار دارد و به همین دلیل درک شعرش بر مخاطبان بسیار ساده و زود فهم میباشد. رباعیات خالقی مطلق بلحاظ تصویری، تغزلاتی کوتاه است که گویا شاعر آنها را در دو بیت سروده است. در تحلیل و بررسی سبک فکری شاعر در این قالب نتیجه میگیریم که خالقی مطلق از یک مسیر فکری منسجم (توجه به گذر عمر، ایام پیری، می، معشوق و احوالات عشق) تبعیت میکند و اینها همان اندیشه‌هایی هستند که محور و خط سیر اصلی رباعیات وی را تشکیل میدهند؛ رد پای تفکرات خیامی و حتی بینامتنیت ضمنی از خیام چه در واژگان و چه در محور فکری در رباعیات خالقی مطلق قابل مشاهده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله حاصل تلاش علمی و پژوهش آزاد نویسندگان است. آقای دکتر حجت‌اله رئیسی مدرس مهمان دانشگاه زابل اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده‌اند. خانم زهرا تدین دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات غنایی دانشگاه پیام نور و آقای دکتر حیدرعلی دهمرده دانشیار محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل، پژوهشگران این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولین فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) بویژه استاد اندیشمند و متواضع جناب دکتر امید مجد اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Ahmadi Givi. Hassan et al. (2002). Persian Language and Writing. Tehran: Samt, p. 133.
- Jahaz. Abu Osman (2003). Al-Bayan and Al-Tabiyin. Researched by: Ali Bu Melhem. Beirut: Dar Al-Muktab Al-Hilal, p. 116.
- Jorjani. Abdul Qahir (2004). Dalail Al-Ijaz Fi Al-Quran. Translated by: Seyyed Mohammad Radmanesh. Tehran: Shahnameh Pajoochi, pp. 37-38.
- Hossam. Iqbal (2017). Sur Khial in the Divan of Nasser Khosrow. Kabul: Qurtuba Publications, p. 165.
- Hassanpour. Marjan et al. (2014). "Intertextual Analysis of Uncertainty in the Language Style and Narrative of Bufkor Sadegh Hedayat and Malkoot Bahram Sadeghi". Journal of Stylistics and Text Analysis of Persian Poetry and Prose. Year 17, Issue 11. Serial number 105. pp. 199-223.
- Hassanpour. Hiva (2011). "Stylistics of the Rubaiyat of Sahabi Astarabadi". Specialized Quarterly Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab). Year 4. Issue 4. Consecutive 14. pp. 43-56.
- Khaleghi-Motlaq. Jalal (2018). Mountain Deer in the Plain. Tehran: Hamishe Publications.
- Khayyam. Hakim Omar (1959). General Works of Hakim Omar Khayyam. (Rubaiyat and...). Tehran: Barani Bookstore.
- Dahani. Mujib-ur-Rahman and Nikpanah. Mansour (1961). "Image and Music in the Rubaiyat of Majdal-ud-Din Ibn Ahmad". Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab Ex-Ex). Year 19. Issue 2. Consecutive 120. pp. 299-319.
- Zarinkob. Abdolhossein (2007). Untruthful Poetry, Unmasked Poetry. Eleventh edition. Tehran: Scientific Publishing House, pp. 22-176.
- Shafeqat. Shafiqullah and Musta'li Parsa (2024). "A Stylistic Study of the Ghazals of Malek al-Shu'ara by Qari Abdullah". Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Bahar Adab Saheb). Year 17. Issue 1. Series 95. pp. 179-206.
- Shafi'i-Kadkani. Mohammad Reza (2024). Poetry Music. Twenty-third edition. Tehran: Ageh, pp. 195-162.
- Shamisa. Sirus (1995). The History of Rubaiyat in Persian Poetry. Second edition. Tehran: Ferdows, pp. 20-298.
- _____ (1999). Literary Types. Third edition. Tehran: Mitra, p. 12.
- _____ (2019). A New Look at Badi'. Second edition. Tehran: Mitra, p. 107.
- Askari. Abu Hilal (2006). Al-Sana'atin fi 'Ulum al-Balagha. Researched by: Ali ibn Melhem. Beirut: Dar al-Muktab al-Hilal, pp. 13-18.
- Alavi Moghadam. Mohammad (2008). Meanings and Expression. 8th edition. Tehran: Samat, p. 133.
- Futohi Rud Majani. Mahmoud (2021). Stylistics (Theories, Approaches and Methods). 5th edition. Tehran: Sokhan, p. 268.

- Farshidvard. Khosrow (2003). About Literature and Literary Criticism. Tehran: Amir Kabir, p. 381.
- Majd. Omid and Seyyedzadeh. Nasrin (2010). "Stylistics of Sa'di's Rubaiyat". Journal of Linguistic and Rhetorical Studies. Year 11. Issue 22. pp. 369-394.
- Moeinian. Elham and others (2024). "A stylistic study of Ghazals by Qavam al-Din Mohammad Yazdi (Sa'eni)". Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylistics (Former Bahar Adab). Year 17. Issue 8. Serial 102. pp. 141-162.
- Nizami. Elias bin Yousef (2005). Generalities of Nizami Ganjavi. Edited by Vahid Dastgerdi. Fifth edition. Tehran: Negah.
- Niko Bakht. Nasser (2015). "A study of the role of music in Ghazals by Mohammad Ali Bahmani". Specialized scientific quarterly journal Dar Dari. Issue 16. pp. 49-60.

فهرست منابع فارسی

- احمدی گیوی. حسن و همکاران (۱۳۸۱). زبان و نگارش فارس. تهران: سمت، ص ۱۳۳.
- جاحظ. ابوعثمان (بی تا). البیان و التبیین. تحقیق: علی بو ملحم. بیروت: دار المکتب الهلال، ص ۱۱۶.
- جرجانی. عبدالقاهر (۱۳۸۳). دلائل الاعجاز فی القرآن. ترجمه: سیدمحمد رادمنش. تهران: شاهنامه پژوهی، صص ۳۷ - ۳۸.
- حسام. اقبال (۱۳۹۶). صور خیال در دیوان ناصر خسرو. کابل: انتشارات قرطبه، ص ۱۶۵.
- حسن پور. مرجان و دیگران (۱۴۰۳). «تحلیل بینامتنی عدم قطعیت در سبک زبان و روایی بوف کور صادق هدایت و ملکوت بهرام صادقی». نشریه علم سبک‌شناسی و تحلیل متون نظم و نثر پارسی. سال هفدهم. شماره یازدهم. شماره پی‌درپی ۱۰۵. صص ۱۹۹ - ۲۲۳.
- حسن پور. هیوا (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی رباعیات سحابی استرآبادی». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال چهارم. شماره چهارم. پیاپی ۱۴. صص ۴۳ - ۵۶.
- خالقی مطلق. جلال (۱۳۹۷). آهوی کوهی در دشت. تهران: انتشارات همیشه.
- خیام. حکیم عمر (۱۳۳۸). کلیات آثار پارسی حکیم عمر خیام. (رباعیات و...). تهران: کتابفروشی بارانی.
- دهانی. مجیب الرحمان و نیک پناه. منصور (۱۴۰۵). «تصویر و موسیقی در رباعیات مجدالدین ابن احمد». نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق). سال نوزدهم. شماره دوم. پی در پی ۱۲۰. صص ۲۹۹ - ۳۱۹.
- زرین کوب. عبدالحسین (۱۳۸۶). شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب. چاپ یازدهم. تهران: نشر علمی، صص ۲۲ - ۱۷۶.
- شفقت. شفیق الله و مستعلی پارسا (۱۴۰۳). «بررسی سبک‌شناسانه غزل‌های ملک‌الشعرا قاری عبدالله». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق). سال هفدهم. شماره یکم. پی‌درپی ۹۵. صص ۱۷۹ - ۲۰۶.
- شفیعی کدکنی. محمدرضا (۱۴۰۳). موسیقی شعر. چاپ بیست و سوم. تهران: آگه، صص ۱۹۵ - ۱۶۲.
- شمیسا. سیروس (۱۳۷۴). سیر رباعی در شعر فارسی. ویرایش دوم. تهران: فردوس، صص ۲۹۸ - ۲۰.
- _____ (۱۳۷۸). انواع ادبی. چاپ سوم. تهران: میترا، ص ۱۲.
- _____ (۱۳۹۸). نگاهی تازه به بدیع. ویرایش دوم. تهران: میترا، ص ۱۰۷.
- عسکری. ابوهلال (۲۰۰۶ م). الصناعتین فی علوم البلاغه. تحقیق: علی بن ملحم. بیروت: دار المکتب الهلال، صص ۱۳ - ۱۸.

- علوی مقدم. محمد (۱۳۸۷). معانی و بیان. چاپ هشتم. تهران: سمت، ص ۱۳۳.
- فتوحی رودمعهنی. محمود (۱۴۰۰). سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روشها). چاپ پنجم. تهران: سخن، ص ۲۶۸.
- فرشیدورد. خسرو (۱۳۸۲). درباره ادبیات و نقد ادبی. تهران: امیرکبیر، ص ۳۸۱.
- مجد. امید و سیدزاده. نسرين (۱۳۹۹). «سبک‌شناسی رباعیات سعدی». مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی. سال ۱۱، شماره ۲۲. صص ۳۶۹ - ۳۹۴.
- معینیان. الهام و دیگران (۱۴۰۳). «بررسی سبک‌شناسی غزل‌های قوام‌الدین محمد یزدی (صائنی)». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق). سال هفدهم. شماره هشتم. پی در پی ۱۰۲. صص ۱۴۱ - ۱۶۲.
- نظامی. الیاس بن یوسف (۱۳۸۴). کلیات نظامی گنجوی. تصحیح وحید دستگردی. چاپ پنجم. تهران: نگاه.
- نیکو بخت. ناصر (۱۳۹۴). «بررسی نقش موسیقایی در غزل محمدعلی بهمنی». فصلنامه علمی تخصصی درّ درّی. شماره شانزدهم. صص ۴۹ - ۶۰.

معرفی نویسندگان

حجت‌اله رئیسی: مدرس مهمان، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: hojjatraeisi@uoz.ac.ir)

(ORCID: 0009-0004-4813-2587)

زهرا تادین: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی گرایش ادبیات غنایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

(Email: Z.tadayyon.hp@gmail.com)

(ORCID: 0009-0007-6770-3324)

حیدرعلی دهمرده: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل، زابل، ایران.

(Email: dr.h.a.dahmardeh@uoz.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-4933-4370)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Hojjatollah Raisi: Guest Lecturer, Zabol University, Zabol, Iran.

(Email: hojjatraeisi@uoz.ac.ir: Responsible author)

(ORCID: 0009-0004-4813-2587)

Zahra Tadayin: Zahra Tadayin: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Lyrical Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran.

(Email: Z.tadayyon.hp@gmail.com)

(ORCID: 0009-0007-6770-3324)

Heydar Ali Dahmardeh: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Zabol, Zabol, Iran

(Email: dr.h.a.dahmardeh@uoz.ac.ir)

(ORCID: 0000-0003-4933-4370)